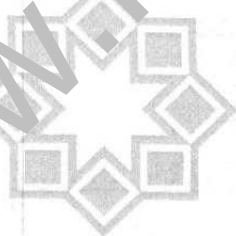


تأملی فقہی پیرامون لباس نمازگزار

شرطیت طہارت یا مانعیت نجاست؟



محمد رضا اسدی



مجلس شورای اسلامی

سرشناسه: اسدی، محمد رضا، ۱۳۶۴
عنوان و نام پدیدآور: تأملی فقهی پیرامون لباس نمازگزار؛ شرطیت طهارت یا
مانعیت نجاست؟ / محمد رضا اسدی
مشخصات نشر: تهران: تراث، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۲۵۲ ص؛ ۱۴×۲۱
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۰-۶۹-۶۹
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص ۲۴۶.
موضوع: نماز (فقه)
موضوع: Salat (Islamic law)
موضوع: طهارت (فقه)
موضوع: Taharat (Islamic law)
رده بندی کنگره: BP ۱۸۶
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۸۰۸۵۰

عنوان:

تأملی فقهی پیرامون لباس نمازگزار؛

شرطیت طهارت یا مانعیت نجاست؟

نویسنده: محمد رضا اسدی

طراحی و صفحه آرایی: سیدرضا حسینی

ناشر: تراث

چاپ: اول / ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱.....نامه

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۲۱.....مفاهیم

۲۱.....شرط

۲۷.....طهارت

۳۲.....نجاست

۳۳.....خبث

۳۵.....حدث

۳۷.....لباس نمازگزار

۳۹.....کلیات

۳۹.....ارکان شرط

۳۹.....تفاوت شرط با مانع

۳۹.....تفاوت شرط با سبب

۴۰.....اقسام شرط

جمع بندی ۵۱

فصل دوم:

اصل بایستگی طهارت لباس نمازگزار

اثبات اصل بایستگی طهارت در لباس

نمازگزار ۵۵

دامنه شمول شرطیت طهارت ۶۰

پوشش هایی که در عرف به آن ها لباس

اطلاق می شود ۶۰

در عرف بر اشیای غیر ساتر لباس اطلاق

نمی شود ۷۱

پوشش های ساتری که در عرف به آن ها

لباس اطلاق نمی شود ۷۴

امکان تعمیم روایات متعارض قاعده کلی ۸۰

جمع بندی ۱۰۴

فصل سوم:

نحوه بایستگی طهارت در لباس نمازگزار

اقوال در نحوه بایستگی طهارت ۹

توضیح و بررسی دلایل اقوال ۱۱۰

الف. شرطیت طهارت ۱۱۰

مخالفت بعضی از فقها با نظریه آخوند

و ارائه نظریه جدید ۱۳۳

ب. مانعیت نجاست ۱۴۱

فصل چهارم: فروغات و استثنائات

فروغات مسأله ۲۱۴

وجوب اعاده نماز در صورت تعدد در

عدم ازالة نجاست ۲۱۴

عدم وجوب اعاده در صورت حدوث

علم به نجاست بعد از نماز ۲۱۴

وجوب اعاده بر ناسی ۲۱۶

صورت تذکر در اثناء نماز ۲۱۷

حکم نماز در لباس های مشتبّه .. ۲۲۲

حکم نمازگزاری که یگانه لباسش،

نجس است ۲۲۵

استثناء از دلائل مانع نجاست ۲۲۷

۱. دم . روح . عروج ۲۲۸

۲. خون کمتر از درهم ۲۳۱

۳. حکم امثال - مراب و دستکش ۲۳۴

۴. لباس مربیه ۲۳۷

نتیجه گیری ۲۳۸

خاتمه ۲۴۱

فهرست منابع ۲۴۶



مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَأَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَى مَنْ
غَالَبَهُ فَجَعَلَهُ أَمَّا لِمَنْ عَاقَهُ وَسَلَّمًا لِمَنْ دَخَلَهُ وَبُزْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ وَشَاهِدًا
لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ وَثَوْرًا لِمَنْ ائْتَمَرَ بِهِ وَفَهْمًا لِمَنْ عَقَلَ وَلُبًّا لِمَنْ تَدَبَّرَ آيَةَ لِمَنْ
تَوَسَّمَ وَتَبَصَّرَ لِمَنْ عَزَمَ وَنَفَقَةً لِمَنْ أَعْطَى نَجَاةً لِمَنْ صَدَّقَ وَثِقَةً لِمَنْ تَوَكَّلَ وَ
رَاحَةً لِمَنْ فَوَّضَ وَجُتَّةً لِمَنْ صَبَرَ.

با نام خدای یکتا و درود بی‌کران به ائمه اطهار علیهم‌السلام، پیرو هشی

۱. خدای را سپاس که اسلام را تشریع، و آبشخورهای آن را بران آنست که بخواهد وارد شود، آسان
نمود؛ ارکانش را در برابر آن که قصد غلبه بر آن را دارد غیر قابل شکست گردانید؛ راه را برای کسی که به
آن آویخت پناهگاه امن، و برای وارد بر آن حريم سلامت قرار داد. آن را بر روی دست است برای کسی
که به وسیله آن سخن گفت، و شاهد برای کسی که به وسیله آن به دفاع برخاست، و نور برای
آن که طلب روشنی کرد، و فهم برای آن که اندیشه نمود، و مغز برای آن که آراسته به تدبیر شد، و
نشانه برای با فراستی که راه حق جست، و بینایی برای کسی که عزم جزم کرد، و پند برای کسی
که پند آموخت، و نجات برای آن که تصدیق کرد، و تکیه‌گاه برای کسی که به آن متکی شد، و
آسایش برای آن که خود را به آن وا گذاشت، و سپر برای آن که صبر پیشه کرد (سید رضی، نهج
البلاغه، خطبة ۱۰۵).

را آغاز می‌کنیم که تلاش اساسی آن، تفکر عمیق در فقه جعفری و گسترش علمی مذهب حقی است که رمز تضمین سعادت بشر و نقطه عزیمت انسان به حرم امن ابدی است. نوشتار پیش رو، جستاری پیرامون یکی از احکام نماز است که مهم‌ترین فریضه اسلام و ستون این دین بزرگ به شمار می‌رود. از آن جا که در کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ تأکیدات ویژه‌ای نسبت به آن وارد شده است و طبق روایات شریفه، پذیرش همه اعمال در گرو قبال این فریضه مهم الهی است، به طبع، مسلمانان عنایت بیشتری به این واجب دارند.

نماز دارای مقدمات، شرایط و آداب است که در آیات و روایات، بیان شده و یکی از شرایط آنست که همه متشرعان بدان معتقدند، پاک بودن لباس نمازگزار است. هدف از تدوین این تحقیق نیز کنکاش در مورد وجوب یا عدم وجوب این شرط نیست، بلکه این کتاب به دنبال بررسی ادله و نحوه این شرطیت است که البته در این مورد توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

رای همه فقها این است که لباس نمازگزار باید پاک و دوری از نجاست خبیثه باشد و در غیر این صورت، نماز خوانده شده، فاسد خواهد بود. اما واقعاً ادله بایستگی «طهارت از نجاست در لباس نمازگزار» چیست و این شرط دقیقاً به چه نحوی از ناحیه شارع جعل شده است؟ آیا علم مکلف به وجود نجاست در لباسش، دخالتی در افساد نماز او دارد یا اگر مکلف دانسته یا ندانسته در چنین لباسی نماز بخواند، در هر صورت باید قائل شد که نمازش فاسد است؟ اگر طهارت از نجاست خبیثه در لباس

نمازگزار واقعاً شرط است، پس چرا اگر کسی بعد از نماز بفهمد که با لباس نجس نماز خوانده و پیش از آن نمی دانسته، فقها حکم به صحت نمازش می کنند؟! چه نجاستی مانع از صحت نماز است؟ نجاست معلومه یا نجاست واقعیه؟ این پژوهش به دنبال بررسی نحوه تصور صحیح بایستگی پاک بودن لباس نمازگزار و پاسخ دقیق به پرسش های مذکور است.

اگر خواهیم از بیانات بالا جمع بندی روشنی ارائه کنیم و پرسش ها و فرضیه ها را تحقیق حاضر را به زبان علمی بیان نماییم، می توانیم بگوییم: سؤال اصلی کتاب پرسش رو این است که آیا طهارت از نجاست خبثیه در لباس نمازگزار شرط است یا خیر؟ این شرطیت چه پیشینه ای دارد و نخستین بار چه کسانی آن را شرط دانسته اند؟ همچنین در ضمن پاسخ به این پرسش باید مشخص شود ادله بایستگی طهارت از نجاست خبثیه در لباس نمازگزار چیست؟ این بایستگی چه نحوی قابل تصور است؟ آیا می توان تصور کرد طهارت واقعیه شرط باشد؟ در صورت مخالفت با تعبیر «شرطیت»، نظریه جایگزین در مورد نجاست بایستگی چیست؟ و در نهایت، آیا این شرط، مطلق است یا استثنائاتی نیز دارد؟

سؤالات فرعی تری نیز وجود دارد که این کتاب باید بدانها نیز بپردازد؛ از جمله اینکه در صورت وجود برخی استثنائات، آن استثنائات چیست؟ چه فروعی بر این حکم شرعی مترتب است؟ حکم موارد «نسیان»، «اضطرار» و «عدم العلم» در این مسأله چیست؟

این کتاب در پی اثبات آن است که لباس نمازگزار باید پاک باشد و دلیل بایستگی طهارت از نجاست خبثیه در لباس نمازگزار، فقط روایات هستند،

اما طهارت واقعیه در لباس نمازگزار شرط نیست. نجاست واقعیه مانعیت ندارد. قول بعضی از فقها مبنی بر «مانعیت نجاستی که حجت بر عدمش اقامه نشده است» هم نمی تواند نظر صحیحی باشد. در نهایت، ظاهر ادله آن است که نجاست معلومه مانعیت دارد.

بنابگاه این بحث ها در منابع علمی متفاوت است. برخی از این قبیل بحث ها در بخش عبادات فقه و در باب «طهارت»، ذیل بحث از «احکام نجاست» داده شده. موضوع «صلاة» و ذیل بحث از «لباس مصلی» مطرح گردیده است. البته اگر نه بحث های کلی این شرط مانند ادله، فروع و احکام متفرقه آن در این بخش از کتب فقهی مورد بررسی قرار می گیرد، اما کتب اصولی نیز به بررسی بحث های جزئی تری از آن مانند «نحوه شرطیت طهارت» پرداخته اند. نحوه شرطیت طهارت، عمدتاً در بخش «اصول عملیه»، در بحث «ادله استصحاب» و «مسئله ذیل «صحیح زواره» مطرح می گردد. بنابراین می توان گفت: این مسئله در رجه اول، يك مسأله فقهی است و جایگاه آن باب طهارت فقه، در بحث احکام نجاست و گاه، در باب صلاة در بحث لباس مصلی است، اما قلمرو ادله نیز دارد و نحوه «شرطیت طهارت از نجاست در لباس نمازگزار» در برخی کتب اصولی مورد بحث قرار گرفته است.

اکنون روشن است که هدف این تحقیق، تبیین و بررسی علمی «شرطیت طهارت از نجاست خبثیه در لباس نمازگزار» و تعیین نحوه امکان تصور آن است که منجر به بیان حکم دقیق و صحیح آن جهت سامان دهی به افعال مکلفین می شود. ثمره دستیابی به این هدف، آشنایی کامل مکلفین با این

مسأله است تا اطمینان کافی در مورد انجام صحیح مهم‌ترین فعل عبادی یعنی نماز، برایشان حاصل شود. به دلیل این ثمره مهم و نیز از آن جا که حاصل این تحقیق، منجر به چند فرع فقهی شده و اساساً احتمال برخی اشکالات دلالتی را نیز در مورد برخی روایات مرتفع ساخته و استفاده از آن روایات را تجویز می‌کند، ما شاهد بحث‌های مفصل و دامنه‌داری در این مسأله هستیم که حاصل دقت‌های عمیق فقها و اصولیون است.

آغاز زمانی این بحث را می‌توان زمان نگاشتن اولین کتب فقهی دانست، زیرا فارغ از بسیاری از سبب‌های جزئی، اصل این شرط همواره در کتب اصلی و قدیم فقهی شیعه مطرح بوده است. اما بحث جزئی‌ترین مسأله که عبارت است از «نحوه شرط طهارت اعضا»،^۱ پس از طرح اشکال مهمی از ناحیه «سید صدرالدین قمی»^۲ شارح «وافیه» دره ورد برداشت رایجی از صحیح‌ه دوم زراره بود که آن اشکال توسط شیخ اعظم د «فوائد الاصول» نقل شد و از آن پس، فقها و اصولیونی همچون «آخوند خراسانی»، «حقوق اصفهانی»، «نائینی» و «شهید صدر» در صدد حلّ این مشکل برآمدند. اشکال مطرح شده توسط ایشان این بود که اگر طهارت واقعیه شرط است (طبق رایج تا آن زمان)، پس چرا در صحیح‌ه دوم زراره، حضرت می‌فرماید: «اگر کسی از نماز بفهمد لباسش نجس بوده و تا پیش از آن به نجاست علم نداشته، نمازش صحیح است؟»^۳ بنابراین، به رغم اینکه به نظر می‌رسد این موضوع، یک

۱. از علمای بزرگ قرن دوازدهم.

۲. قُلْتُ فَإِنْ ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ وَلَمْ أَتَيَّنْ ذَلِكَ فَتَطَهَّرْتُ فَلَمْ أَرَشِينَا ثُمَّ صَلَّيْتُ فَرَأَيْتُ فِيهِ قَالَ تَغْسِلُهُ وَلَا تُعِيدُ الصَّلَاةَ؛ اگر گمان پیدا کردم که آن [نجس] اصابت کرده ولی یقین پیدا نکردم، پس نگاه کردم ولی چیزی را ندیدم، سپس غا ز خواندم و آن را در لباس دیدم، فرمود: آن را بشوی

موضوع فقهی است، به خاطر مبنا قرار گرفتن صحیحه دوم زواره، غالباً در ذیل بحث استصحاب و در کتاب‌های اصولی به صورت استطرادی مورد بحث قرار گرفته است. از این رو، اصلی‌ترین منابع این مسأله عبارتند از: «فرائد الاصول» (شیخ انصاری)، «کفایة الأصول» (آخوند خراسانی)، «نهایة الدایة فی شرح الکفایة» (محقق اصفهانی)، «فوائد الاصول» (محقق نائینی)، «بحوث فی شرح الاصول» (شهید صدر). همچنین، در این زمینه می‌توان از کتاب‌های دیگری چون «نتایج الافکار فی الاصول» (حسینی شاهرودی) نیز نام برد.

با بررسی انجام شده، کتاب یا نوشته مستقلی در این زمینه یافت نشده است و اکنون این نوشته باید با پیش‌توانه بحث‌های فراوانی که توسط علما در لایه لای کتاب‌ها انجام شده، در صدد است در قالب پژوهشی مفصل و مستقل این بحث را پی گرفته و گام در به سرانجام رساندن آن بردارد. از این رو، امتیاز پژوهش حاضر آن است که برای نخستین بار، این مسأله را به صورت مستقل و در قالب یک رساله علمی مورد بررسی قرار می‌دهد.

در کتاب پیش رو، این مسأله در چهار فصل، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل اول، کلیات و مفاهیم را بررسی و به توضیح معناشناختی اصطلاحاتی چون «شرطیت»، «طهارت»، «نجاست»، «خبث» و «لباس نمازگزار» خواهیم پرداخت. در فصل دوم، روایات بایستگی طهارت خبثیه در لباس نمازگزار را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. فصل سوم که شاید اصلی‌ترین دغدغه این پژوهش را دنبال می‌کند و از طراوت و اهمیت بی‌بهره

نیست، به تبیین نحوه بایستگی طهارت از نجاست خبیثه در لباس نمازگزار اختصاص خواهد داشت که به طبع، در آن سعی خواهد شد نظریات مختلف، به درستی تبیین شوند. و در نهایت، در فصل چهارم استثنائات این مسأله مطرح و فروع آن توضیح داده خواهد شد.

در پایان این مقدمه، از استاد بزرگوار حضرت آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی که موضوع این تحقیق با پیشنهاد ایشان انتخاب گردیده و مباحث درس خارج اصول ایشان در اتقان این رساله نقشی اساسی داشته است و همچنین از استاد عالی رحمانی فرد (سبزواری)، استاد علی قریب دوست قلعه جوقی و همه کسانی که نقشی در پیشبرد این بحث و به ثمر نشستن آن داشته‌اند، نهایت سپاس و قدردانی به عمل می‌آید.

محمد رضا اسدی

حوزه علمیه قم

شهریور ۱۳۹۸